

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال نوزدهم، شماره هفتاد و چهارم

تابستان ۱۳۹۷

تحلیل روایی - تاریخی پرچم‌داری امیرمؤمنان علی علیه السلام در غزوات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۶

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۷/۱

کاوس روحی برندق^۱علی احمدی^۲

پرچم، یکی از نمادهای اصلی اقوام، قبایل، ملت‌ها، دولت‌ها و لشکرهای نظامی است که همواره در تاریخ، اهمیت قابل توجهی داشته است. سپاه پیامبر صلی الله علیه و آله، همچون قبایل عرب پیش از اسلام، دارای پرچم‌های لواء و رایت بود. لواء، به عنوان نشانه اصلی سپاه نسبت به رایت که نشانگر گروه‌های فرعی و قومیت‌ها بود، اهمیت بیشتری داشت. این مقاله، نقش پرچم‌داری امیر مؤمنان، علی علیه السلام و میزان حضور ایشان به این عنوان در غزوات پیامبر صلی الله علیه و آله را مورد پژوهش قرار داده است.

نوشتار حاضر با بررسی و تجزیه و تحلیل انتقادی مجموعه‌ای از مستندات روایی و تاریخی، به این نتیجه دست یافته که بنا بر منابع اهل سنت، امیر مؤمنان، علی علیه السلام در ۱۱ غزوه از ۲۹ غزوه، پرچم‌دار بوده است و از بین ۹ غزوه مهمی که به جنگ ختم شده نیز در ۶ نبرد این مسئولیت را عهده‌دار بوده است.

کلیدواژگان: امام علی علیه السلام، لواء، رایت، پرچم‌داری، غزوه.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول):

k.roohi@modares.ac.ir

۲. دانش‌آموخته سطح سه تاریخ اهل‌بیت علیهم السلام، مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا علیه السلام:

aliamady1355@yahoo.com

۱. طرح مسئله

پرچم در سپاه پیامبر صلی الله علیه و آله، از اهمیت خاصی برخوردار بود و پرچم‌دار، صاحب فضیلت و منقبت به شمار می‌رفت. بنابراین، صحابه دوست داشتند پرچم سپاه به آنان واگذار شود. در برخی منابع شیعه، از امام علی علیه السلام، به عنوان «صاحب لواء النبی صلی الله علیه و آله» یاد شده است.^۱ شیخ مفید ضمن بیان تاریخچه پرچم قریش، لواء و رایت قریش را از آن قصی بن کلاب (۴۳۹م) می‌داند که پس از وی به عبدالمطلب (۵۷۸م) و پس از او به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و ایشان آن دو را در بنی هاشم قرار داد. ایشان در اولین غزوه (ودان)، رایت را به امام علی علیه السلام سپرد. رایت تا جنگ احد، نزد ایشان بود. در این روز، لواء به مصعب بن عمیر (۳ق) سپرده شد و پس از شهادت وی، لواء نیز به امام علی علیه السلام واگذار شد. بنابراین، هر دو (لواء و رایت)، در اختیار ایشان قرار گرفت.^۲

با توجه به این مقدمه، بایسته است به دو سؤال پاسخ داده شود: ۱. حضور امام علی علیه السلام به عنوان پرچم‌دار در سیره نبوی، با رویکرد تحلیل روایی - تاریخی، چه میزان بوده است؟ ۲. امام علی علیه السلام در چه جنگ‌هایی پرچم‌دار بوده است؟ با توجه به این پرسش‌ها، در این پژوهش به بررسی جایگاه امام علی علیه السلام به عنوان پرچم‌دار، با رویکرد تحلیل روایی - تاریخی پرداخته خواهد شد.

میترا شاطری در مقاله «درفش در عهد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله»، غلامحسین محرمی در «پرچم و پرچم‌داری در عرب و اسلام»، اسماعیل نساجی در «درآمدی بر تاریخ پرچم و پرچم‌داری»، ابوالفضل هادی منش در «پرچم و پرچم‌داری، از جاهلیت تا عاشورا»، و نیز عبدالله بن محمد بن سعد حجیلی در کتاب *العلم النبوی الشریف و تطبیقاته القدیمة والمعاصرة*، به جایگاه پرچم در سپاه پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخته‌اند؛ اما بایسته است تا نقش امام

۱. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۳۰۷.

۲. مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۷۹.

علی علیه السلام و میزان حضور ایشان به عنوان پرچمدار، بررسی گردد و نقش ایشان با این عنوان، بیشتر روشن شود؛ روش ما در این نگارش، گردآوری، با رویکرد تحلیل محتوایی کمی و کیفی و محدود زمانی منابع، تا پایان قرن نهم خواهد بود.

این پژوهش، پس از تبیین مفاهیم، در بخش «پرچمداری امام علی علیه السلام در غزوات»، با یادآوری از جنگ‌هایی که حضرت در آنها پرچمدار بوده، تنها به نقش و میزان پرچمداری ایشان می‌پردازد. بنابراین، میزان حضور ایشان در غزوات، بررسی نشده است. در این بخش، به تفصیل، جایگاه امام علی علیه السلام به عنوان پرچمدار سپاه اسلام در جنگ‌های: وڈان (۲ق)، سفوان (۲ق)، بدر (۲ق)، بنی سلیم (۳ق)، احد (۳ق)، حمراء الاسد (۳ق)، بنی نضیر (۴ق)، بدر الموعد (۴ق)، بنی قریظه (۵ق)، خیبر (۷ق)، ذات السلاسل (۸ق)، فتح مکه (۸ق) و حنین (۸ق)، بررسی گردیده، در پایان با تکیه بر گزارش‌های تاریخی و آمار و ارقام، به بررسی و تحلیل موضوع خواهیم پرداخت.

۲. تبیین مفاهیم

۱-۱. تبیین لواء و رایت و تفاوت آن دو

لغت‌شناسان، «لواء» را به معنای علم و جمع آن را «الْوِیة» و «الْوِیات» می‌دانند.^۱ ابن منظور (۷۱۱ق)، لواء را برای امیر لشکر دانسته است.^۲ نیز گفته شده، لواء همان رایت است که فقط صاحب جیش (امیر لشکر) آن را حمل می‌کند.^۳ همچنین، از لواء به «لواء الأمیر» تعبیر شده است.^۴ در اختیار داشتن لواء توسط فرمانده جنگ، به جهت شناخته شدن موقعیت

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۲۶۶؛ ابن سیده، المحکم والمحیط الأعظم، ج ۱۰، ص ۴۵۶.

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۱۹۳ و ۲۳۰.

۳. ابن اثیر، النهایة فی غریب الحدیث والأثر، ج ۴، ص ۲۷۹؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۲۶۶.

۴. ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۵، ص ۳۲۱؛ جوهری، الصحاح، ج ۶، ص ۲۴۸۶.

امیر و شناسایی او توسط سربازان خودی بوده است.^۱ بنا بر دیدگاه برخی، لواء همان «رایت» است و نامیدن آن به این واژه، برای پیچیده‌شدن آن به وسیله باد است (اللِّوَاءُ: الرِّايَةُ سَمِّيَتْ لِالتَّوَأْنِهَا بِالرِّيحِ)؛^۲ گویا رایت، چنین نبوده است. مطرزی (۱۰عق) معتقد است که لواء، علم سپاه و از رایت، پایین‌تر است؛ زیرا لواء، قطعه پارچه‌ای است که با وزش باد درهم‌می‌پیچد.^۳ وی، از رایت به «ام‌الحرب» یاد می‌کند که از لواء، بالاتر است.^۴ رایت نیز به معنای علم و جمع آن، «رایات» و «رای» است.^۵ نیز علم، همان رایت است که سپاهیان به سوی آن تجمع می‌کنند.^۶

بنابراین، از مجموع اقوال لغت‌شناسان، دو دیدگاه استخراج می‌شود: ۱. لواء، مخصوص امیر لشکر است؛ ۲. مرتبه لواء از رایت، کمتر است. از بین آنان، تنها مطرزی به برتری رایت بر لواء تصریح کرده و دیگران یا نگفته‌اند و یا لواء را از آن امیر لشکر دانسته‌اند که نتیجه آن، برتری لواء بر رایت است.

از گزارش‌های تاریخ‌نگاران و روایات محدثان نیز، تفاوت لواء با رایت معلوم می‌شود. بنا بر نقل ابن اسحاق (۱۵۱ق)، در جریان جنگ بدر، لواء با مصعب بن عمیر بود و همراه پیامبر صلی الله علیه و آله، دو رایت سیاه بود.^۷ نیز بنا بر گزارش شیخ مفید (۴۱۳ق)، لواء و رایت قریش، هر دو از آن قصی بن کلاب بود که به پیامبر رسید.^۸ همچنین، بنا بر گزارشی دیگر،

۱. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۹۹.

۲. راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۷۵۳.

۳. مطرزی، المغرب فی ترتیب المغرب، ج ۲، ص ۲۵۲.

۴. همان، ج ۱، ص ۳۵۸.

۵. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۳۵۲؛ ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۵، ص ۲۳۲.

۶. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۲۰.

۷. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۶۱۳.

۸. مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۷۹.

پیامبر ﷺ همراه لوای سفید وارد مکه شد و برای مهاجرین، سه رایت بود.^۱ ترمذی (۲۷۹ق) نیز با بیان روایتی که «لوای پیامبر ﷺ سفید و رایت ایشان سیاه بود»، بر این تفاوت تأکید می‌کند.^۲ همچنین، در کتابش بابی با نام «الأولیة»، و باب دیگری با اسم «الرایات» دارد که نشانگر تفاوت این دو کلمه، نزد وی است. ابن حجر عسقلانی (۸۰۲ق) نیز به مناسبت حدیثی درباره لواء، در بابی با نام «ما قیل فی لواء النبی ﷺ» ضمن تأکید بر مترادف این دو کلمه از دیدگاه لغت‌شناسان و تغایر آن دو از دیدگاه محدثان، تفاوت معنایی بین این دو را معرفی می‌داند.^۳

درباره لواء و رایت، چند مطلب دیگر هم از گزارش‌های تاریخی به دست می‌آید:

۱. در اکثر قریب به اتفاق گزارش‌ها، رنگ لواء، سفید و رنگ رایت، سیاه گزارش شده است؛ هرچند به ندرت، رنگ لواء، سیاه^۴ و رایت، سفید^۵ و زرد^۶ نیز گزارش شده است. برخی در توجیه سفیدبودن لواء گفته‌اند:
- چون در هر لشکری لواء، یکی و آن هم در اختیار فرمانده سپاه بود، برای شناخته شدن از رایات سیاه، رنگ آن سفید انتخاب شده تا در مواقع اضطراری، دیگران بتوانند، نزد فرمانده جنگ بروند.^۷

۱. مقریزی، إمتاع الأسماع، ج ۷، ص ۱۶۰.

۲. ترمذی، السنن، ص ۳۹۳.

۳. ابن حجر عسقلانی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۶، ص ۱۴۶.

۴. ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴، ص ۲۲۵.

۵. ابن حجر، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۶، ص ۱۲۷. ابن حجر، با بیان «قیل»، از غیر معتبر بودن آن، حکایت می‌کند.

۶. ابوداود، السنن، ج ۲، ص ۳۳۷.

۷. شبیبانی، شرح السیر الکبیر، ج ۱، ص ۸۳.

۲. لواء، مخصوص فرمانده اصلی جنگ، و رایت، در اختیار فرماندهانی است که در میدان نبرد، زیر نظر فرمانده اصلی می‌جنگند. بنابراین، در هر سپاهی، یک لواء و چندین رایت وجود داشت.^۱

۳. در بیشتر موارد، شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم لواء یا رایت را به اشخاص، تحویل می‌داد. گاهی با دست خودش، لوابی درست می‌کرد و به دست فرمانده لشکر می‌داد. بنا بر گزارش واقدی، در سریه امام علی علیه السلام به یمن، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عمامه‌اش را دو لایه و چهار گوش کرد و بر نیزه‌ای نصب کرد و سپس آن را به ایشان داد و گفت:
لواء، این چنین است.^۲

۴. لواء، برخلاف رایت، بسته یا باز می‌شد. این مطلب، از گزارش‌های متعددی قابل اثبات است:

- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، لواء را به علی علیه السلام تحویل داد؛ درحالی‌که باز نشده بود و بر همان حالت جنگ خندق (بسته)، باقی مانده بود.^۳
- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، لواء را برای علی علیه السلام بست.^۴
- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، لواء خود را خواست؛ درحالی‌که گره زده بود و از دیروز (جنگ احد) باز نشده بود. سپس، آن را به علی علیه السلام داد.^۵

با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی «لواء» و «رایت» که گذشت، در مواردی، این دو در اختیار یک نفر قرار می‌گرفت و به این شخص، «صاحب اللواء وصاحب الراية» گفته می‌شد. در لشکر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، پرچم (لواء) و به تبع آن پرچم‌دار، جایگاه ویژه‌ای داشت؛ زیرا اولاً، انتخاب پرچم‌دار، یکی از ابتدایی‌ترین کارهای قبل از آغاز جنگ بود که در برخی

۱. همان.

۲. واقدی، المغازی، ج ۳، ص ۱۰۷۹.

۳. همان، ج ۲، ص ۴۹۹.

۴. طبرانی، المعجم الصغیر، ج ۲، ص ۱۱.

۵. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۳۳۶.

غزوات، توسط شخص پیامبر ﷺ انجام می‌شد؛ ثانیاً، پرچم، در اختیار هرکسی قرار نمی‌گرفت؛ بلکه معمولاً از بین سرداران و شجاعان سپاه انتخاب می‌شد. این دو مطلب، از گزارش‌های گوناگونی استفاده می‌شود که در ادامه، با بررسی موارد آن و موقعیت‌های گوناگون واگذاری پرچم، به نقد و بررسی آن خواهیم پرداخت. به دلیل کثرت پرچم‌داران، به‌خصوص در جنگ‌های پایانی پیامبر ﷺ که هر قبیله و گروهی رایتی داشتند، برای تبیین اهمیت پرچم سپاه اسلام، تنها به شخصیت‌هایی اشاره می‌شود که لواء‌النبی ﷺ را حمل می‌کرده‌اند؛ زیرا اولاً، لواء‌النبی ﷺ، نسبت به دیگر لواءها و رایت‌ها، از اهمیت بیشتری برخوردار بود؛ ثانیاً، در برخی جنگ‌ها حضرت خود لواء را به افراد می‌سپردند.

بنابراین، پرچم‌داران پیامبر ﷺ عبارت‌اند از: امام علی (ع) که در این مقاله، به نقد و بررسی آن پرداخته خواهد شد؛ حمزه بن عبدالمطلب (در سه جنگ: ودان،^۱ ذات العشیره^۲ و بنی قینقاع^۳)، مصعب بن عمیر (در دو جنگ: بدر^۴ و احد^۵)، زید بن حارثه (در جنگ خندق^۶)، سعد بن عباده (در جنگ وادی القری^۷)، سعد بن ابی وقاص (در دو جنگ: بواط^۸ و ودان؛ بنا بر قول طبری^۹) و خلیفه اول (در جنگ تبوک^{۱۰}). اکثر قریب به اتفاق این افراد که به عنوان

۱. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۵.

۲. طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۲، ص ۴۰۸.

۳. همان، ص ۴۸۱.

۴. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۶۱۳.

۵. بلاذری، انساب الأشراف، ج ۹، ص ۴۰۸.

۶. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۵۱.

۷. بیهقی، دلائل النبوة، ج ۴، ص ۲۷۰.

۸. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۵.

۹. طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۲، ص ۴۰۷.

۱۰. واقدی، المغازی، ج ۳، ص ۹۹۶.

پرچم‌دار اصلی سپاه اسلام از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله انتخاب شدند، از صحابه نزدیک به ایشان، شجاع و جنگجو بودند؛ نیز از نظر اجتماعی، جایگاه والایی داشتند.

مطلب بعدی آنکه، به دلیل اهمیت لواء و رایت در سپاه اسلام، برخی برای آن، احکامی وضع کرده‌اند؛ از جمله: استحباب گرفتن لواء در جنگ‌ها؛ برافراشته شدن لواء و رایت فقط به اذن امام؛ مخصوص بودن لواء به امیر یا کسی که جای او را می‌گیرد.^۱ همچنین، بر مستحب بودن بستن لواء و رایت برای لشکر^۲ و اینکه رنگ لواء، سفید و رنگ رایت، سیاه باشد، بدون آنکه رنگ سیاه برای رایت کراهت داشته باشد، فتوا داده شده است.^۳ محمدبن احمد سرخسی (۴۸۳ق)، دلیل این استحباب را سنت نبوی دانسته است. همچنین، بنا بر دیدگاه او، رنگ سیاه در رایات مستحب است؛ زیرا در میدان نبرد که هر گروهی رایتی دارد، سربازان آن گروه، موقعیت خودشان را شناسایی کنند؛ به خصوص زمانی که از همدیگر جدا شده باشند. نیز رنگ سیاه در روز، به‌ویژه هنگام گرد و غبار، واضح‌تر و مشهورتر از غیر آن است.^۴

۱-۲. مفهوم لغوی و اصطلاحی غَزْوَة

«غزوة» از ماده «غ - ز - و»، به معنای قصد جنگ^۵ یا رفتن به جنگ با دشمن و غارت او آمده است. جمع آن: «غزوات»، «غزاة» و «غزای» است.^۶ در اصطلاح، به هر جنگی که

۱. ابن حجر، فتح الباری، ج ۶، ص ۱۲۷؛ عبدالرحیم بن حسین عراقی، طرح التشریب شرح التقریب، ج ۸، ص ۵.

۲. ابن قیم جوزی، زاد المعاد فی هدی خیر العباد، ج ۳، ص ۶۶۷.

۳. همان؛ شیبانی، پیشین، ج ۱، ص ۵۲.

۴. شیبانی، شرح السیر الکبیر، ج ۱، ص ۵۲.

۵. مطرزی، المغرب فی ترتیب المعرب، ج ۲، ص ۱۰۲.

۶. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۱۲۳.

پیامبر ﷺ در آن شرکت داشته، «غزوه» گفته می‌شود.^۱ در باره تعداد غزوات پیامبر ﷺ، بین سیره‌نویسان (از ۱۹ تا ۲۹ غزوه) اختلاف است؛ لکن در تعداد غزوه‌هایی که به جنگ ختم شده، همگی عدد «نه» را ثبت کرده‌اند: بدر، احد، احزاب، بنی قریظه، بنی مصطلق، خیبر، فتح مکه، حنین و طائف.^۲

۳. پرچم‌داری امام علی علیه السلام در غزوات

۳-۱. ودان

این غزوه که اولین جنگ پیامبر ﷺ است،^۳ در محلی به نام «ودان»^۴ رخ داد و به صلح انجامید. بنا بر برخی منابع شیعی، قبل از آغاز حمله، پیامبر ﷺ رایت را به امام علی علیه السلام واگذار کرد.^۵ در منابع سنی، حمزه بن عبدالمطلب (ق^۳)، به عنوان پرچم‌دار معرفی شده و به حمل پرچم (لواء و رایت) توسط امام علی علیه السلام، هیچ اشاره‌ای نشده است. ابن کثیر (۷۰۱ق) به نقل از واقدی (۲۰۷ق) آورده است: «لواء سفید، همراه عمویش حمزه بود»؛^۶ هرچند با مراجعه به مغازی، چنین مطلبی یافت نشد. البته ابن سعد (۲۳۰ق)، به این مطلب تصریح می‌کند.^۷ یعقوبی نیز بدون اشاره به این غزوه، حمزه را اولین پرچم‌دار پیامبر ﷺ معرفی می‌کند.^۸ طبری، برخلاف آرای مورخان پیشین، سعد بن ابی وقاص را صاحب لواء پیامبر ﷺ

۱. دهخدا، لغت‌نامه، ج ۱۰، ص ۱۴۷۳۹.

۲. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۶۰۹.

۳. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۳۸۸.

۴. محلی در مدینه، در نزدیکی منطقه «أبواء». ودان، بین جحفه و أبواء قرار دارد و بین ودان و أبواء، شش میل فاصله است.

۵. مفید، الإرشاد، ج ۱، ص ۷۹؛ فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۱۹۱.

۶. ابن کثیر، البدایة والنهایة، ج ۳، ص ۲۴۳.

۷. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۵.

۸. یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۴۳.

معرفی می‌کند.^۱ بنابراین، با توجه به تفاوت لواء و رایت، و اینکه در منابع شیعی به رایت امام علی علیه السلام، و در منابع سنی به لواء ایشان تصریح شده، می‌توان گفت که امام علی علیه السلام رایت، و حمزه لواء را حمل می‌کرده‌اند.

۲-۳. بدر اول

پیامبر صلی الله علیه و آله برای دستیابی به کرزبن جابر فهری، به تعقیب او پرداخت و از مدینه خارج شد تا آنکه به وادی سفوان^۲ رسید و پس از فرار وی در آنجا، به مدینه برگشت. بنا بر گزارش ابن سعد، در این جنگ، امام علی علیه السلام لواء سفید پیامبر صلی الله علیه و آله را حمل می‌کرد.^۳ بیهقی (۴۵۶ق) نیز بدون آنکه به رنگ پرچم اشاره کند، امام را حامل لواء معرفی می‌کند.^۴ در منابع شیعه نیز به این مطلب اشاره شده است.^۵ بنابراین، پرچم‌داری امام علی علیه السلام در این جنگ، بدون اختلاف، در منابع سنی و شیعه وارد شده و در هر دو، بر صاحب لواء بودن ایشان تأکید شده است.

۳-۳. بدر

بنا بر گزارش ابن هشام، به نقل از ابن اسحاق، پیامبر صلی الله علیه و آله لواء سفید را به مصعب بن عمیر سپرد.^۶ طبرانی (۳۶۰ق)، برخلاف ابن هشام به نقل از ابن عباس، لواء ایشان را همراه امام علی علیه السلام و لواء انصار را همراه سعد بن عباده می‌داند.^۷ طبرسی نیز امام را دارنده لواء

۱. طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۲، ص ۴۰۷.

۲. از نواحی اطراف بدر که موضع دقیق آن، امروزه معلوم نیست؛ بلکه امروزه جایی با نام «سقا» در نزدیکی بدر است که ۱۵۰ کیلومتر با مدینه، فاصله دارد.

۳. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۶ و ۴۵.

۴. بیهقی، دلائل النبوة، ج ۳، ص ۱۶.

۵. طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۷۳؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۸۷.

۶. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۶۱۳.

۷. طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۶، ص ۱۵.

رسول الله ﷺ و مهاجرین و سعد بن عبادہ را دارنده رایات انصار می‌داند.^۱ واقدی و ابن سعد، هیچ نامی از پرچم‌داری امیر مؤمنان علیه السلام نمی‌برند و معتقدند: سه لواء در جنگ بدر وجود داشت: لواء مهاجرین توسط مصعب بن عمیر، خزرجیان توسط حباب بن منذر و اوسیان توسط سعد بن معاذ (ق ۵) حمل می‌شد.^۲ همچنین، ابن سعد در جای دیگری، لواء اعظم رسول الله ﷺ، یعنی لواء مهاجرین را از آن مصعب می‌داند.^۳ ابن سید الناس (۷۳۴ق)، پس از نقل قول ابن سعد می‌نویسد:

همچنین، او (ابن سعد) گفته است: معروف آن است که سعد بن معاذ در آن روز، نگهبان رسول الله ﷺ و پرچم مهاجران، به دست علی علیه السلام بود.^۴

اما با مراجعه به طبقات، این گزارش یافت نشد. این قول، با گزارش مفید قوی‌تر می‌شود که:

پیامبر صلی الله علیه و آله، لواء مهاجران را به علی بن ابی طالب علیه السلام سپرد.^۵

در گزارش‌های دیگری، به جای لواء، از رایات نام برده شده است. ابن هشام که لواء را از آن مصعب دانسته بود، از ابن اسحاق نقل می‌کند:

دو رایات سیاه، همراه پیامبر صلی الله علیه و آله در حرکت بود؛ یکی که به آن عقاب گفته می‌شد، همراه علی بن ابی طالب (رض) و دیگری برای بعضی از انصار.^۶

در چند سطر بعد، مشخص می‌شود که حامل پرچم انصار، سعد بن معاذ بوده است.^۷ نیز بنا بر گزارش ابن کثیر به نقل از ابن عباس، رایات مهاجران همراه امام علی علیه السلام و رایات

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۷۰۹.
۲. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۵۸؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۰.
۳. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۸۹.
۴. ابن سید الناس، عیون الأثر فی فنون المغازی والشمال والسیر، ج ۱، ص ۲۸۶.
۵. مفید، الإرشاد، ج ۱، ص ۸۰.
۶. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۶۱۳.
۷. همان.

انصار همراه سعدبن عباده بوده است.^۱ بنا بر روایت دیگری از او، رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز بدر، درحالی که امام علی علیه السلام بیست‌ساله بود، راییت را به او واگذار کرد.^۲ همچنین، هرچند طبرسی در مجمع البیان، امام علیه السلام را دارنده لواء و سعدبن عباده را صاحب راییت می‌داند؛^۳ اما در اعلام الوری، لواء سفید را از آن مصعب، و راییت را از آن امام علی علیه السلام می‌داند.^۴ بنابراین و با توجه به بیان ابن اسحاق و طبرسی که راییت را برای امام علی علیه السلام می‌دانند، می‌توان گفت: از ابتدای جنگ، راییت در اختیار امام علیه السلام، و لواء در اختیار مصعب بود؛ اما در هنگامه جنگ، رسول خدا صلی الله علیه و آله تصمیم گرفت لواء را به امام علی علیه السلام واگذار کند و به این ترتیب، هم لواء و هم راییت، در اختیار امام قرار گرفت. عبارت شیخ مفید «دفع رسول الله لواء المهاجرین»،^۵ این قول را تقویت می‌کند؛ مگر آنکه گفته شود منظور شیخ مفید از «لواء المهاجرین»، «رایة المهاجرین» بوده که در این صورت، راییت نزد امام، و لواء نزد مصعب بوده است.

بنابراین، از مجموع اقوال مورخان و محدثان، سه دیدگاه استخراج می‌شود: ۱. لواء از اوّل نزد امام علی علیه السلام بوده؛ اما هنگام جنگ، به مصعب سپرده شده است؛ ۲. لواء از ابتدا نزد مصعب بوده و در جنگ، به امام علیه السلام واگذار شده؛ ۳. از ابتدا لواء در اختیار مصعب، و راییت در اختیار امام علی علیه السلام بوده است.

۳-۴. بنی سلیم

بنا بر برخی گزارش‌های تاریخی، در این جنگ، امام علی علیه السلام لواء پیامبر صلی الله علیه و آله را حمل می‌کرد.^۶ در منابع شیعه تا قرن نهم - که محدوده زمانی پژوهش در این مقاله است - این

۱. ابن کنیر، البدایة والنهاية، ج ۱۲، ص ۲۹.

۲. همان، ج ۷، ص ۳۳۵.

۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۲۲۲.

۴. طبرسی، اعلام الوری، ج ۱، ص ۱۶۸.

۵. مفید، الإرشاد، ج ۱، ص ۸۰.

۶. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۳؛ ابن سید الناس، عیون الأثر فی فنون المغازی والشمال والسیر،

ج ۱، ص ۳۴۷.

گزارش، منعکس نشده است؛ تنها در بحار الأنوار^۱، آن هم به نقل از واقدی آمده که با مراجعه به مغازی موجود، این مطلب یافت نشد.

۳-۵. اُحُد

بنا بر گزارش واقدی و ابن سعد، پیامبر ﷺ قبل از حرکت به سوی اُحُد، سه لواء را بست. سپس، لوائی اوس را به اسیدبن حضیر (۲۰ق)، لوائی خزرج را به حباب بن منذر (گفته شده سعد بن معاذ) و لوائی مهاجرین را به امام علی علیه السلام واگذار کرد.^۲ البته در ادامه، این احتمال را هم مطرح کرده‌اند که پرچم مهاجرین را مصعب حمل می‌کرده است؛^۳ اما همان گونه که از بیان پیداست، قول قوی را واگذاری پرچم به امام علی علیه السلام می‌دانسته‌اند. بنابراین، هنگامی که سپاه حضرت در مدینه است و هنوز حرکت نکرده، پرچم مهاجرین نزد ایشان بوده است. بنا بر گزارش دیگری، هنگامی که صف‌ها آراسته شد، پیامبر ﷺ پرسید: پرچم مشرکان را چه کسی دارد؟ گفتند: بنی‌الددار. فرمود: ما در وفاداری از ایشان سزاوارتریم! آنگاه فرمود: مصعب بن عمیر کجاست؟ خودش پاسخ داد: اینجا هستم! پرچم را به وی سپردند و او آن را پیشاپیش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌برد.^۴ نیز بنا بر گزارش واقدی، پیامبر هم (مثل مشرکان)، برای سپاه خود میمنه و میسره قرار داد و پرچم بزرگ خود را به مصعب سپرد.^۵ به نظر می‌رسد این پرچم، همان لواء اعظم بوده که در اختیار خود پیامبر ﷺ بوده است. قول بلاذری، این سخن را تقویت می‌کند. وی، تنها از یک پرچم بزرگ (اللواء الأعظم) یاد می‌کند که در جاهلیت، لوائی قریش در قومش از بنی‌الددار بود و به همین

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۰، ص ۸.

۲. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۲۱۵؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۹.

۳. همان.

۴. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۲۲۱؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۹.

۵. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۲۲۵.

سبب، پیامبر آن را از بین دیگر پرچم‌ها، برگزید. ایشان، این پرچم را لوای مهاجرین قرار داد و آن را در جنگ اُحُد به مصعب سپرد.^۱

بنا بر گزارش دیگری از واقدی، پیامبر صلی الله علیه و آله پرچم را به مصعب داد و پس از شهادت وی، فرشته‌ای شبیه وی، پرچم را گرفت. در آخر روز، پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به او فرمود: ای مصعب پیش برو! فرشته به او توجه کرد و گفت: من مصعب نیستم و پیامبر دانست که او فرشته‌ای است که ایشان را یاری کرده است.^۲ بنا بر گزارش دیگری، در باره استقامت مصعب در نگهداری از پرچم سپاه اسلام آمده است:

وقتی مسلمانان پراکنده شدند، مصعب همچنان پرچم را پایدار و استوار نگاه داشت. این قمیئه که سوار اسب بود، پیش آمد و ضربتی به دست راست او زد و آن را قطع کرد. در همان حال مصعب این آیه را می‌خواند: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ»^۳ سپس، پرچم را به دست چپ گرفت و خود را روی پرچم خم کرد تا دست چپش هم قطع شد. آنگاه خود را کاملاً روی پرچم خم کرد و با دو بازوی خود پرچم را نگه داشت و به سینه چسباند و همان آیه را می‌خواند. این قمیئه برای بار سوم به وی حمله کرد و چنان با نیزه به او زد که نیزه شکست و مصعب به خاک افتاد و پرچم سرنگون شد. بلافاصله دو مرد از بنی‌عبدالدار، برای برپایی دوباره پرچم اقدام کردند. ابوالروم پرچم را برداشت و تا هنگام بازگشت مسلمانان به مدینه، در دست او بود.^۴

۱. بلاذری، أحمد بن یحیی، *انساب الأشراف*، ج ۹، ص ۴۰۸.

۲. واقدی، *المغازی*، ج ۱، ص ۲۳۴.

۳. آل عمران، آیه ۱۴۴.

۴. واقدی، *المغازی*، ج ۱، ص ۲۳۹؛ ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۳، ص ۹۰.

بنا بر گزارش دیگری از واقدی، پیامبر ﷺ پرچم مهاجران را در آخر روز به ابوروم عبدری سپرد؛^۱ اما بر اساس گزارش ابن اسحاق و ابن خیاط، پس از شهادت مصعب، پیامبر ﷺ پرچم را به امام علی علیه السلام سپرد.^۲ این مطلب، در منابع شیعی هم آمده است. بنا بر گزارش شیخ مفید، در روز اُحُد و با به شهادت رسیدن مصعب و قرارگرفتن لواء در دستان امام علی علیه السلام لواء و رایت، در بنی‌هاشم جمع شد.^۳ این قول با گزارش طبرسی، تقویت می‌شود. وی هنگام گزارش لحظات سخت سپاه اسلام پس از حمله خالدبن ولید و زخمی شدن پیامبر ﷺ، می‌نویسد:

مصعب بن عمیر پرچم‌دار پیغمبر در بدر و اُحُد، به دفاع از وی، به جلوی عبدالله بن قمیبه رفت. نام رایت پیغمبر، عقاب بود که به دست داشت؛ ولی به دست وی شهید شد.^۴

بنابراین، به نظر شیخ مفید، رایت از ابتدا در اختیار امام بود و پس از به شهادت رسیدن مصعب، لواء نیز به حضرت رسید و این، اولین باری بود که لواء و رایت، در بنی‌هاشم جمع شد؛ هرچند گذشت که در برخی غزوات قبل از اُحُد نیز، لواء در اختیار امام علی علیه السلام بود. نتیجه آنکه بنا بر گزارش واقدی و ابن سعد، پرچم مهاجران قبل از حرکت سپاه اسلام، در اختیار امام علی علیه السلام بود. در روز جنگ، پیامبر ﷺ لواء اعظم خود را به مصعب سپرد و پس از شهادت مصعب، در اختیار امام علی علیه السلام قرار نگرفت؛ اما بنا بر دیگر گزارش‌ها، پس از شهادت مصعب، پرچم به امام واگذار شد.

۱. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۲۳۹.

۲. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۷۳؛ ابن خیاط، تاریخ خلیفة بن خیاط، ص ۲۷.

۳. مفید، الإرشاد، ج ۱، ص ۷۹.

۴. طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۸۴۹.

۳-۶. حمراء الأسد

به گزارش واقدی، در غزوه حمراء الأسد که فردای روز اُحد اتفاق افتاد، پیامبر لوی خود را خواست؛ درحالی که آن را گره زده بود و از دیروز (جنگ احد)، باز نشده بود. سپس، آن را به امام علی علیه السلام داد. واقدی بلافاصله می‌گوید: «گفته شده پرچم را به ابوبکر داد»^۱ که به دلیل اینکه واقدی، قول دوم را با «یقال» آورده، پرچم‌دار، امیرالمؤمنین بوده است. گزارش حمل پرچم توسط امام علی علیه السلام، با تفاوت‌هایی، در منابع شیعه نیز منعکس شده است. به نقل از ابن شهرآشوب و طبرسی، پیامبر صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام را با رایت مهاجرین، به همراه هفتاد نفر به منطقه حمراء الأسد فرستاد تا دشمن را فراری دهند.^۲ بنابراین، به پرچم‌داری امام علی علیه السلام در حمراء الأسد، هم در منابع شیعه و هم سنی اشاره شده است؛ با این تفاوت که در منابع اهل سنت، لواء و در منابع شیعه، رایت ذکر شده است. شاید بتوان نتیجه گرفت مثل برخی دیگر از جنگ‌های پیامبر صلی الله علیه و آله، لواء و رایت هر دو، در اختیار ایشان بوده است. این قول وقتی تقویت می‌شود که در گزارش واقدی و ابن سعد، «لواء» ذکر شده؛ اما در گزارش طبرسی و ابن شهرآشوب، به رایت مهاجرین اشاره شده است.

۳-۷. بنی نضیر

در این جنگ که به محاصره قلعه‌های بنی نضیر و مهاجرت آنان از مدینه خاتمه یافت، امیر لشکر اسلام در این جنگ، امام علی علیه السلام بود^۳ و بنا بر گزارش ابن سعد و طبری، رایت سپاه را ایشان حمل می‌کرد.^۴ در منابع شیعه نیز به این مطلب اشاره شده است. بر اساس گزارش قمی، پس از آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «به طرف بنی نضیر برو»،

۱. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۳۳۶؛ مقریزی، إمتاع الأسماع، ج ۷، ص ۱۶۷.

۲. ابن شهرآشوب، المناقب، ج ۱، ص ۱۹۴؛ طبرسی، اعلام الوری، ص ۸۵.

۳. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۳۷۱.

۴. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۴۴؛ طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۲، ص ۵۵۵.

رایت را برداشت و به طرف آنان رفت.^۱ این گزارش، نشانگر فرماندهی و پرچمداری ایشان در این جنگ است.

۳-۸. بدر الموعد

این غزوه که با نام «بدر الثانية» هم مشهور است، یک سال پس از جنگ اُحُد اتفاق افتاد. ابوسفیان برای ترساندن مؤمنان، آنان را وعده داد که سال بعد همین جا با آنان بجنگند. رسول خدا ﷺ رفت؛ اما ابوسفیان، خشکسالی را بهانه کرد و نرفت. بنا بر گزارش واقدی، در آن روز، بزرگ‌ترین پرچم پیامبر ﷺ (لواء رسول الله الاعظم)، توسط امام علی علیه السلام حمل می‌شد؛^۲ اما ابن سعد، بدون اشاره به (لواء الاعظم)، گزارش می‌کند که لوای پیامبر ﷺ، در اختیار ایشان بود.^۳

۳-۹. بنی قریظه

بنا بر گزارش ابن اسحاق، پس از پایان جنگ خندق، پیامبر ﷺ مسلمانان را به دلیل خیانت و نقض پیمانشان، به خروج بر بنی قریظه امر کرد. سپس، به امام علی علیه السلام امر کرد که با رایت، به سوی آنان برود. امام با رایت ایشان، تا نزدیک قلعه‌های آنان رفت؛ اما سخنان نامربوطی نسبت به پیامبر ﷺ شنید. از این رو، برگشت و به ایشان خبر داد که به سوی آنان نرود. پیامبر ﷺ علت را فهمید و فرمود:

اگر مرا ببینند، چنان نخواهند گفت.^۴

گزارش یعقوبی، هرچند مختصر است، ولی به گزارش ابن هشام نزدیک است. بر مبنای روایت او، هنگامی که قریش در روز خندق عقب‌نشینی کرد، پیامبر ﷺ علی علیه السلام را

۱. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۵۹.

۲. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۳۸۸.

۳. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۴۶.

۴. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۲۳۴.

خواست و رایت مهاجرین را به او داد تا به سوی بنی قریظه برود.^۱ با توجه به اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله، رایت‌های متفاوتی داشت، در این جنگ، رایت سیاه پیامبر صلی الله علیه و آله، به نام عقاب، به امام علی علیه السلام واگذار شد.^۲ گزارش واقدی با دیگران، قدری متفاوت است. بنا بر گزارش وی، پیامبر صلی الله علیه و آله، امام را خواست و لواء را به او تحویل داد؛ درحالی که باز نشده بود و بر همان حالت جنگ خندق (بسته)، باقی مانده بود.^۳ سپس، امام و همراهان، به سوی قلعه بنی قریظه حرکت کردند. امام به قدری نزدیک شد که رایت را در دیوار قلعه آنان فرو برد. آنان، شروع به ناسزاگفتن به پیامبر صلی الله علیه و آله کردند که امام علی علیه السلام به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله برگشت تا مانع آمدن ایشان و شنیدن ناسزاها شود و به ابوقتاده دستور داد لواء را بگیرد و او هم گرفت.^۴ در این فراز واقدی، تفاوت لواء و رایت، کاملاً مشخص است. بنا بر این گزارش، هم لواء سپاه دست حضرت بود و هم رایت؛ که ایشان رایت را بر دیوار قلعه بنی قریظه نصب کرد و لواء را هنگام بازگشت نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله، به ابوقتاده تحویل داد.

۱۰-۳. حدیبیه

در این غزوه^۵ که به صلح حدیبیه انجامید، پرچم سپاه اسلام نزد امام علی علیه السلام بود.^۶ این گزارش در منابع اهل سنت، منعکس نشده است.

۱۱-۳. خیبر

جنگ خیبر، یکی از جنگ‌های سرنوشت‌ساز و مهم پیامبر صلی الله علیه و آله بود که ابتدای آن، با سختی و مقاومت یهودیان روبه‌رو شد. هنگامی که سپاهیان اسلام، قلعه‌ها را محاصره کردند،

۱. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۳.

۲. حمیری، قرب الإسناد، ص ۱۳۱.

۳. واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۹۹.

۴. همان، ص ۵۰۰.

۵. واقدی با بیان «غزوة الحدیبیة»، بر غزوه بودن آن تأکید می‌کند. (واقدی، المغازی، ص ۲۲۷)

۶. مفید، الإرشاد، ج ۱، ص ۱۱۹.

ابوبکر لواء را گرفت و برای فتح قلعه‌ها به پیش رفت؛ اما موفق نشد و برگشت. فردای آن روز، عمر به سوی آنان خارج شد و بدون پیروزی برگشت. کار بر مسلمانان سخت و روحیه آنان، ضعیف شد. شب آن روز، پیامبر به اصحاب فرمود:

فردا لواء را به مردی می‌سپارم که خدا و رسولش او را دوست دارند و او

خدا و رسولش را دوست دارد. بر نمی‌گردد؛ مگر با پیروزی.

فردای آن روز، پیامبر ﷺ پس از اقامه نماز صبح ایستاد و لواء را خواست. سپس، امام علی علیه السلام را خواند و لواء را به او سپرد.^۱ این حدیث که با سلسله سند به بریده می‌رسد، تنها روایتی است که از واگذاری لواء به امام علی علیه السلام در جنگ خیبر خبر می‌دهد. بنا بر دیگر گزارش‌ها، امام علی علیه السلام رایت را تحویل گرفت. بنا بر گزارش مفید، رسول خدا صلی الله علیه و آله بیست و چند شب، خیبر را محاصره کرد و در آن روز (خیبر)، رایت، نزد امیرالمؤمنین بود؛ ولی به جهت درد چشم، از جنگ معذور بود. در یکی از این روزها، مرحب از قلعه خیبر خارج شد و مبارز طلبید. پیامبر ﷺ ابوبکر را خواست و گفت: رایت را بگیر و او گرفت و با عده‌ای رفت و بدون نتیجه، برگشت. فردای آن روز، عمر نیز همین گونه عمل کرد. سپس، رایت سفید را به امام علی علیه السلام واگذار کرد.^۲

با توجه به اینکه در اکثر قریب به اتفاق نقل‌ها، لواء، سفید و رایت، سیاه گزارش شده و نیز کاربرد لواء به جای رایت و برعکس در برخی نقل‌ها آمده، بعید نیست که منظور شیخ مفید از رایت، لواء بوده است. بنا به نقل بخاری (۲۵۶ق) از سهل بن سعد (۸۸ق) نیز پیامبر ﷺ رایت را ایشان سپرد که خداوند خیبر را به دست او بگشاید.^۳ بخاری، با تعابیر

۱. احمد بن حنبل، مسند، ج ۳۸، ص ۹۷.

۲. مفید، الإرشاد، ج ۱، ص ۱۲۶.

۳. بخاری، صحیح البخاری، ص ۵۶۵.

دیگر، در سه جای کتابش، این روایت را گزارش کرده است.^۱ احادیث بخاری در این باره با حدیث احمدبن حنبل (۱۶۴ق) که گذشت، یک تفاوت عمده دارد؛ احمدبن حنبل از لواء، و بخاری از رایث یاد می‌کند.

دیگران نیز این روایت را به گونه‌های مختلف نقل کرده‌اند.^۲ بنابراین، به گونه‌ای که از این روایات برمی‌آید، پرچم از ابتدا در دست امیرمؤمنان علیه السلام نبود؛ بلکه شبی که فردای آن می‌خواستند حمله کنند، پیامبر ایشان را خواست و پس از شفای چشم‌هایش، پرچم را به ایشان سپرد؛ درحالی که بنا بر گزارش ابن هشام، هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله قصد ترک مدینه را کرد، پرچم سفید را به امام علی علیه السلام واگذار نمود.^۳ نیز بنا بر گزارش واقدی، پیامبر صلی الله علیه و آله رایث را که سه تا بود، تقسیم کرد و تا آن روز (جنگ خیبر)، رایث نبود؛ بلکه لواء بود. رایث پیامبر، سیاه و از برد عائشه بود که «عقاب» خوانده می‌شد و لواء حضرت، سفید بود. رایث اصلی (عقاب) را به امام علی علیه السلام، و دو رایث دیگر را به حباب‌بن منذر و سعدبن عباده واگذار کرد.^۴ گزارش ابن سعد نیز مثل واقدی است؛ تنها تفاوت در این است که بنا بر روایت وی، لواء سفید به امام علی علیه السلام واگذار شد.^۵ بنا بر آنچه گذشت، می‌توان گفت که در مدینه و قبل از حرکت سپاه اسلام، پرچم به دست امیرمؤمنان علیه السلام بود. در خیبر، پیامبر صلی الله علیه و آله تصمیم گرفت ابوبکر، و پس از وی عمر را برای فتح خیبر بفرستد. پس، پرچم را از امام گرفت و به آنان واگذار کرد و به دلیل عدم موفقیت آنان، مجدد پرچم در اختیار امام قرار گرفت. این دیدگاه، هنگامی تقویت می‌شود که بنا بر گزارشی، پیامبر صلی الله علیه و آله ابتدا ابوبکر را همراه لواء سفید، به سوی برخی از قلعه‌های خیبر فرستاد و او بعد از جنگی، بدون

۱. همان، ص ۵۷۶ و ۷۹۹.

۲. مقریزی، *امتاع الأسماع*، ج ۷، ص ۱۶۲.

۳. ابن هشام، *السیرة النبویة*، ج ۲، ص ۳۲۸.

۴. واقدی، *المغازی*، ج ۲، ص ۶۴۹.

۵. ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۲، ص ۸۱.

پیروزی برگشت. فردی آن روز، عمر را فرستاد و او هم پس از جنگی، بدون پیروزی بازگشت؛^۱ مطلبی که بخاری ترجیح داده آن را تقطیع کند و تنها بخش پایانی آن، یعنی واگذاری پرچم به امام علی علیه السلام را بازگو کند.

مطلب دیگر آنکه در گزارشی، لواء، و در روایتی دیگر، رایت آمده است؛ درحالی که تفاوت این دو، گذشت. این حجر که بر تفاوت عرفی بین این دو واژه تأکید کرده بود، در اینجا، دو نقل متفاوت رایت و لواء را نشانگر یکی بودن این دو می‌داند.^۲ شاید عبارت طبرانی، مشکل را حل کند؛ این گونه که لواء و رایت، هر دو در اختیار امام علی علیه السلام قرار گرفت.^۳

این واقعه به قدری مهم بود که آرزوی هر صحابه‌ای که جایگاهی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله داشت، دریافت پرچم از ایشان بود.^۴ خلیفه اول نیز پس از سخن پیامبر صلی الله علیه و آله، مبنی بر واگذاری پرچم به کسی که پیروز برمی‌گردد، گفت: «امارت را دوست نداشتم؛ جز در آن روز»^۵ که نشانگر مقام فرماندهی و پرچم‌داری در لشکر اسلام است. امام علی علیه السلام نیز به آن، احتجاج می‌کرد. در زمان خلافت عثمان، عده‌ای از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله، در مسجدالنبی دور هم جمع شدند و هریک، فضایل و مناقب خود در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله را می‌گفت. ایشان هم که در این جلسه حضور داشت، پس از آنکه همه فضایل خود را گفتند، به درخواست عده‌ای، فضایل خود را گفت و از همه بر صدق آن، اعتراف گرفت که یکی از آنان، اعطای رایت در روز خیبر بود.^۶

۱. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۳۳۴؛ طبرسی، اعلام الوری، ص ۱۸۵.

۲. ابن حجر، فتح الباری، ج ۶، ص ۱۲۷.

۳. طبرانی، المعجم الصغیر، ج ۲، ص ۱۱.

۴. ابن حجر، فتح الباری، ج ۷، ص ۴۷۷.

۵. مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۱.

۶. سلیم بن قیس هلالی، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲، ص ۶۴۱.

۳-۱۲. ذات السلاسل

در منابع اهل سنت، عمرو بن عاص (۴۲ق) فرمانده این جنگ و حامل لواء سفید پیامبر صلی الله علیه و آله، معرفی شده است؛^۱ اما بنا بر گزارش طبرسی، لواء در اختیار امام علی علیه السلام بود.^۲ بنابراین و با این قرینه که در بیشتر غزوات، فرمانده جنگ صاحب لواء بود، قول مقریزی (۸۴۵ق) قوی‌تر است؛ هرچند طبرسی از نظر زمانی، مقدم است.

۳-۱۳. فتح مکه

بنا بر گزارش ابن اسحاق (۱۵۱ق)، در روز فتح مکه، پیامبر صلی الله علیه و آله سپاه خود را به دو دسته تقسیم کرد: گروهی به رهبری زبیر بن عوام (۳۶ق)، و دیگری به رهبری سعد بن عباد که به آنان دستور داد وارد شهر شوند. همین که سعد بن عباد (۱۵ق) خواست وارد شهر شود، فریاد کشید: امروز، روز خون ریختن است. امروز، روز هتک حرمت است. در این هنگام، مردی از مهاجرین که بنا بر نظر ابن هشام عمر بن خطاب (۲۳ق) بوده، در باره این رفتار سعد به پیامبر صلی الله علیه و آله اعتراض کرد. ایشان بلافاصله به امام علی علیه السلام فرمود: «برو و رایت را از او بگیر و وارد شهر شو.»^۳ بنا بر گزارش بخاری، سعد بن عباد، رایت انصار را حمل می‌کرد.^۴ وی، به گرفتن پرچم از سعد و واگذار کردن آن به امام علی علیه السلام، هیچ اشاره‌ای نکرده؛ ولی از زبیر نام می‌برد که پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله را حمل می‌کرده است.^۵ با قرینه گزارش ابن حجر (۸۵۲ق) و قاضی نعمان (۳۶۳ق) معلوم می‌شود که زبیر، پرچم‌دار مهاجران، و

۱. مقریزی، *إمتاع الأسماع*، ج ۷، ص ۱۶۸.

۲. طبرسی، *اعلام الهدی*، ص ۱۹۵.

۳. ابن هشام، *السیرة النبویة*، ج ۲، ص ۴۰۶؛ مفید، *الإرشاد*، ج ۱، ص ۶۱.

۴. بخاری، *صحیح البخاری*، ص ۸۰۹.

۵. همان.

سعد پرچمدار انصار بوده است^۱ که با تخلف سعد، به امام واگذار شده است. بررسی آرای مقریزی که اقوال مختلف را جمع کرده، می‌تواند به روشن شدن مطلب کمک کند. بنا بر گزارش وی، پیامبر همراه لوی سفید، وارد مکه شد. نیز بنا بر روایتی دیگر، هنگامی که لشکر اسلام خواست مکه را فتح کنند، برای مهاجرین سه رایت بود: سیاه با زبیر، دو رایت دیگر با امام علی علیه السلام و سعد بن ابی وقاص^۲. بنا بر گزارش دیگر مقریزی، سعد بن عباده رایت رسول خدا صلی الله علیه و آله را حمل می‌کرد؛ اما به امر پیامبر صلی الله علیه و آله، به پسرش قیس سپرد. بلافاصله می‌نویسد: «البته گفته شده که علی (رض) رایت را از سعد گرفت.» و در همان صفحه، لواء مهاجرین را از آن علی علیه السلام می‌داند.^۳

۱۴-۳. هوازن / حنین

غزوه حنین، جنگی است که پس از فتح مکه در سال هشتم هجری در منطقه حنین، بین مسلمانان به فرماندهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و قبیله‌های هوازن و ثقیف ساکن منطقه طائف رخ داد. در ابتدای جنگ، بر اثر شیبخون مشرکان و نیز حضور تازه‌مسلمانان مکی، سپاه اسلام متزلزل بود؛ تا جایی که جان پیامبر صلی الله علیه و آله هم به خطر افتاد؛ اما مسلمانان سرانجام به پیروزی رسیدند و به غنائم بسیاری دست یافتند. بنا بر گزارش واقدی و ابن جوزی در این جنگ، لواء مهاجرین توسط امام علی علیه السلام، و رایت انصار توسط سعد بن ابی وقاص حمل می‌شد.^۴

۱. ابن حجر، فتح الباری، ج ۲، ص ۵۹۸؛ نعمان بن محمد مغربی، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، ج ۱، ص ۳۰۵.

۲. مقریزی، امتاع الأسماع، ج ۷، ص ۱۶۰.

۳. همان، ص ۱۷۰.

۴. واقدی، المغازی، ج ۳، ص ۸۹۵؛ ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک، ج ۳، ص ۳۳۳.

۴. بحث و تحلیل

از مجموع ۲۹ غزوه پیامبر صلی الله علیه و آله، بنا بر مصادر اهل سنت، امام علی علیه السلام در ۱۱ جنگ (بدر اول، بدر، بنی سلیم، أُحُد، حمراء الأسد، بنی نضیر، بدر الموعود، بنی قریظه، خیبر، فتح مکه و حنین) (۳۸٪) (نمودار ۱) شرکت داشته است؛ اما بنا بر مصادر سنی و شیعه، در ۱۴ جنگ (۴۸٪) (نمودار ۲) شرکت داشته است که شرکت ایشان در سه جنگ وُدان، حدیبیه و ذات السلاسل، اختصاصی مصادر شیعه است. این آمار، به نسبت ۲۹ غزوه‌ای بود که در صدر اسلام اتفاق افتاده است؛ اما بنا بر غزواتی که در مصادر، پرچم‌دار آنها مشخص و معلوم است، به نسبت، حضور امام افزایش پیدا می‌کند؛ زیرا آمار غزوه‌ها، به ۲۱ مورد کاهش پیدا می‌کند. بنابراین، از این زاویه، حضور امام بنا بر مصادر اهل سنت (۵۲٪) (نمودار ۳)، و بنا بر منابع شیعه و سنی (۶۷٪) (نمودار ۴) می‌باشد. از مجموع ۲۹ غزوه رسول خدا صلی الله علیه و آله، ۹ جنگ (بدر، أُحُد، خندق، بنی قریظه، بنی مصطلق، خیبر، فتح مکه، حنین و طائف) (جدول شماره ۱؛ علامت ستاره)، از جنگ‌های اصلی صدر اسلام است که به جنگ و درگیری کشیده شد. امام علی علیه السلام، در شش جنگ اصلی (۶۷٪) (جدول شماره ۲ و نمودار ۵)، پرچم‌دار سپاه اسلام بوده است.

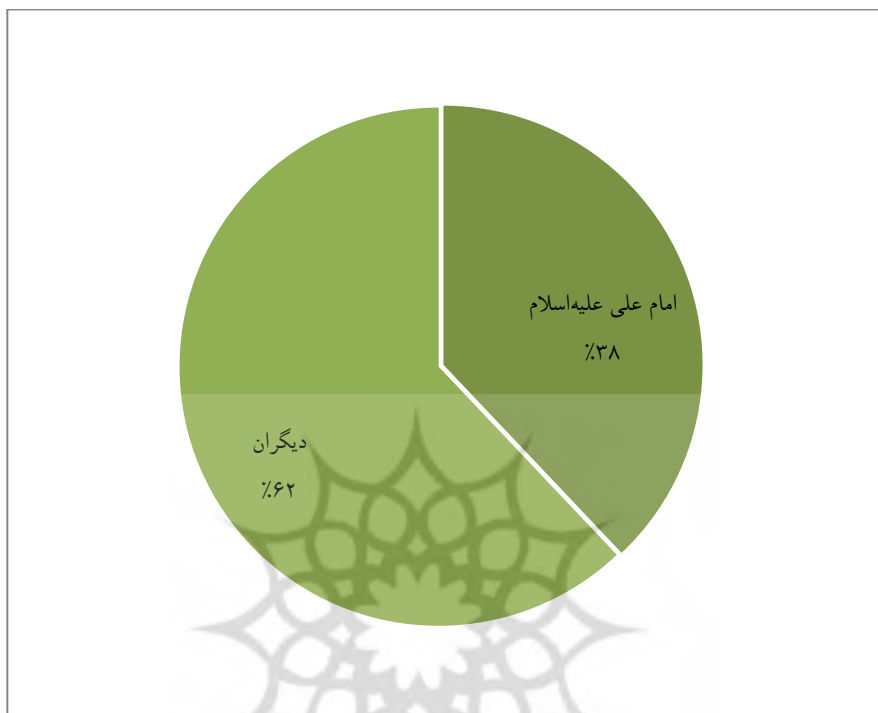
جدول ۱: آمار غزوه‌ها و پرچم‌داران (بنا بر نقل مشهور): «جنگ‌های اصلی، با علامت ستاره مشخص شده است.»

نام غزوه	زمان	نام پرچم‌دار	نوع پرچم	منبع گزارش	نتیجه جنگ
۱. ودان (ابواء)	صفر/۲ق.	امام علی <small>علیه السلام</small> حمزه	رایت سفید لواء سفید	الارشاد، ج ۱، ص ۷۹ طبقات، ج ۲، ص ۵	پیمان صلح با بنی ضمیره
۲. بواط	ربیع الأول / ۲ق.	سعدبن ابی وقاص	لواء سفید	طبقات، ج ۲، ص ۵	_____
۳. عُسَیره	جمادی الأو ل/۲ق.	حمزه	لواء	تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۰۸	متارکه
۴. بدر اول (سفوان)	ربیع الأول / ۲ق.	امام علی <small>علیه السلام</small>	لواء سفید	طبقات، ج ۲، ص ۶ اعلام الوری، ص ۷۳	فرار مشرکان
۵. بدر کبری *	۱۷/رمضان /۲ق.	مهاجرین: مصعب و امام علی <small>علیه السلام</small> خزرج: حباب بن منذر اوس: سعدبن معاذ	لواء سفید و رایت سیاه لواء سیاه لواء سیاه	سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۶۱۳ اعلام الوری، ج ۱، ص ۶۱۸	پیروزی مسلمانان
۶. بنی سلیم (قرقره الکدر)	شوال/۲ق.	امام علی <small>علیه السلام</small>	لواء	طبقات، ج ۲، ص ۲۳ بحار، ج ۲، ص ۸	فرار بنی سلیم و به غنیمت گرفتن اموال آنان توسط مسلمانان
۷. بنی قینقاع	شوال/۲ق.	حمزه	لواء سفید	انساب الاشراف، ج ۴، ص ۲۸۶	پاکسازی محیط مدینه از یهود
۸. سَویق	ذی حجه/۲ق.	_____	_____	_____	فرار قریش

فرار بنی‌ثعلبه	_____	_____	_____	محرم ۳/ق.	غطفان (ذی امر)	۹.
_____	_____	_____	_____	ربیع‌الآخر/ ۳/ق.	بُحران (الفرع)	۱۰.
پیروزی قریش؛ ۷۰ شهادت مسلمان	مغازی، ج ۱، ص ۲۱۵ الایرثاد، ج ۱، ص ۷۹	لواء اعظم لواء	مصعب و امام علی <small>علیه السلام</small> اوس: اسید بن حضیر خرج: حباب بن منذر	شوال/۳/ق.	أُحد *	۱۱.
فرار مشرکان قریش	مغازی، ج ۱، ص ۳۳۶ طبقات، ج ۲، ص ۳۷	لواء	امام علی <small>علیه السلام</small> ابوبکر	شوال/۳/ق.	حمراء الأسد	۱۲.
اخراج یهودیان بنی‌نضیر از مدینه	تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۵۵	رایت	امام علی <small>علیه السلام</small>	ربیع‌الاول/ ۴/ق.	بنی‌نضیر	۱۳.
فرار بنی‌ثعلبه و محارب	_____	_____	_____	جمادی‌الاولی لی/۴/ق.	ذات الرقاع	۱۴.
_____	طبقات، ج ۲، ص ۴۶	لواء	امام علی <small>علیه السلام</small>	شعبان/۴/ق.	بدر الموعد	۱۵.
فرار و شکست قبایل جندل	_____	_____	_____	ربیع‌الاول/ ۵/ق.	دومة الجندل	۱۶.
شکست دشمن و بازگشت بدون پیروزی	_____	_____	مهاجرین: زید بن حارثه انصار: سعد بن عباد	شوال/۵/ق.	خندق (احزاب) *	۱۷.
پیروزی لشکر اسلام	سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۲۳۴ حمیری، ص ۱۳۱	رایت و لواء	امام علی <small>علیه السلام</small>	ذی حجه/۵/ق.	بنی‌قریظہ *	۱۸.
فرار بنی‌لحیان	_____	_____	_____	جمادی‌الاولی لی/۶/ق.	بنی‌لحیان	۱۹.
صلح بین مسلمانان و قریش	امتاع‌الاسماع، ج ۷، ص ۱۶۷	لواء	مقداد	ربیع‌الاول/ عق.	ذی‌قرد (الغابه)	۲۰.

فرار مشرکان پس از مقاومت مختصر	امتناع الاسماع، ج ۱، ص ۲۰۳ طبقات، ج ۲، ص ۴۹	رایت	مهاجرین: ابوبکر یا عمار انصار: سعدین عبادہ	شعبان/۶ق.	بنی مطلق *	۲۱.
صلح بین مسلمانان و قریش	الإرشاد، ج ۱، ص ۱۱۹	_____	امام علی <small>علیه السلام</small>	ذی القعدة/ عق.	حدیبیه	۲۲.
سقوط قلعه‌های خیبر و شکست یهودیان	صحیح بخاری، ص ۵۶۵، ج ۲، ص ۲۹۴۲	رایت	امام علی <small>علیه السلام</small> ، حباب بن منذر ، سعدین عبادہ، ابوبکر	محرم/۷ق.	خیبر *	۲۳.
تقویت روحی مسلمانان	_____	_____	_____	ذی حجه/۷ ق.	عمرة القضاء	۲۴.
پیروزی مسلمانان	اعلام الوری، ص ۱۹۵ امتناع الاسماع، ج ۷، ص ۱۶۸	لواء لواء سفید	امام علی <small>علیه السلام</small> عمرو بن عاص	۸ق.	ذات السلاسل	۲۵.
فتح مکه	سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۴۰۶ الإرشاد، ج ۱، ص ۶۱۰	رایت	سعدین عبادہ امام علی <small>علیه السلام</small>	رمضان/۸ ق.	فتح مکه *	۲۶.
سقوط هوازن و تقیف	المنتظم، ج ۳، ص ۳۳۳	لواء رایت	امام علی <small>علیه السلام</small> سعدین ابی وقاص	شوال/۸ق.	حنین *	۲۷.
بازگشت به مدینه بدون پیروزی	_____	_____	_____	شوال/۸ق.	طائف *	۲۸.
درخواست مصلحه مالی با مسلمانان از سوی رومیان	امتناع الاسماع، ج ۲، ص ۵۱	لواء اعظم رایت	ابوبکر زبیر، اسیدین حضیر و ابی دجانہ	رجب/۹ق.	تبوک	۲۹.

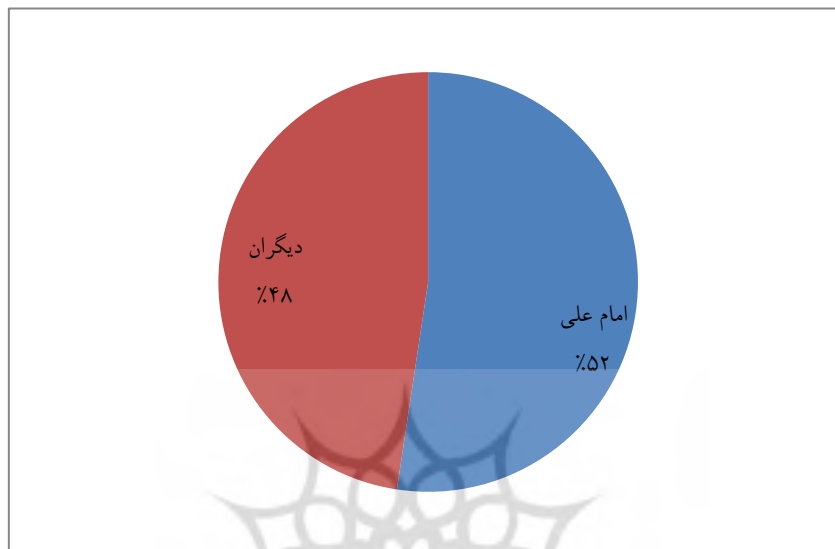
نمودار ۱: نسبت حضور امام علیه السلام نسبت به دیگران در همه غزوات؛ بر اساس منابع اهل سنت



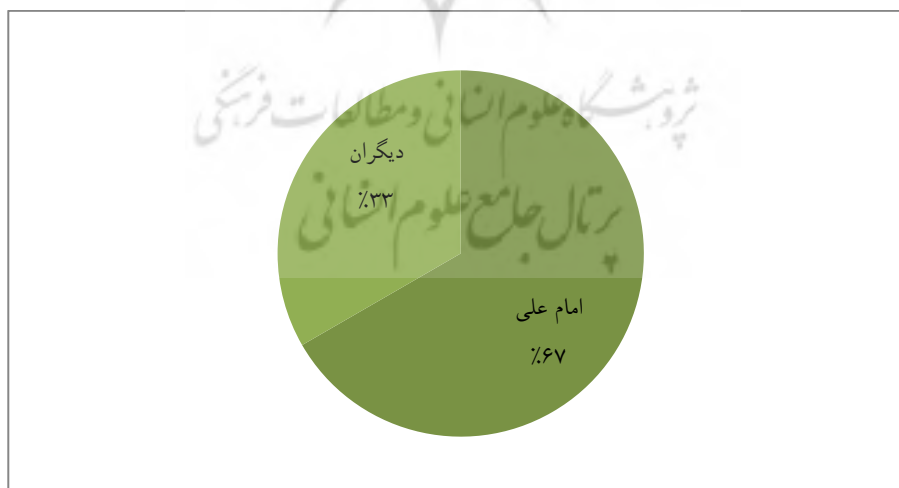
نمودار ۲: نسبت حضور امام علیه السلام نسبت به دیگران در همه غزوات؛ بنا بر منابع سنی و شیعه



نمودار ۳: نسبت حضور امام علیه السلام بر اساس غزواتی که پرچم‌دار آن، معلوم است؛ بنا بر منابع اهل سنت



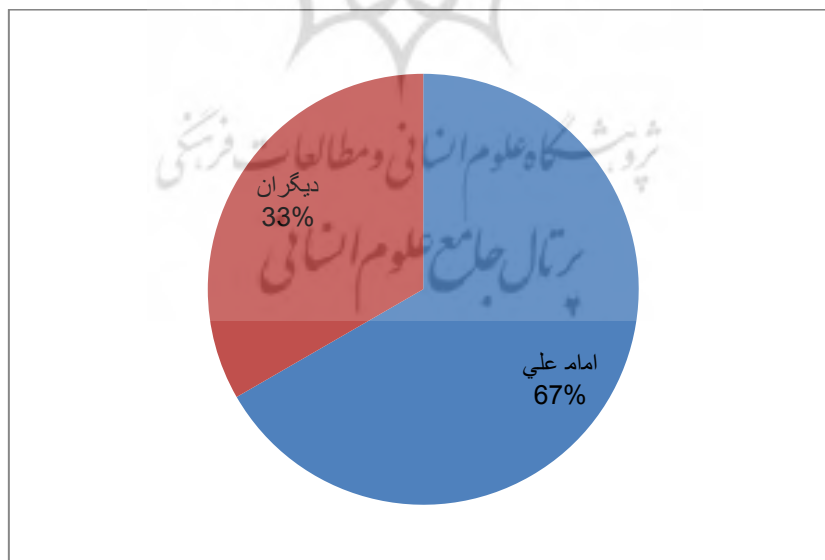
نمودار ۴: نسبت حضور امام علیه السلام بر اساس غزواتی که پرچم‌دار آن، معلوم است؛ بنا بر منابع سنی و شیعه.



جدول ۲: میزان حضور امام علیه السلام به عنوان پرچم‌دار در جنگ‌های اصلی پیامبر صلی الله علیه و آله

ر	غزوه	پرچم‌دار	ر	غزوه	پرچم‌دار
۱.	بدر کبری	امام علی <small>علیه السلام</small>	۲.	أُحُد	امام علی <small>علیه السلام</small>
۳.	خندق	زیدبن حارثه و سعدبن عباده	۴.	بنی قریظه	امام علی <small>علیه السلام</small>
۵.	بنی مصلط	ابوبکر یا عمار و سعدبن عباده	۶.	خیبر	امام علی <small>علیه السلام</small>
۷.	فتح	امام علی <small>علیه السلام</small>	۸.	حنین	امام علی <small>علیه السلام</small>
۹.	طائف	نامعلوم			

نمودار ۵: نمودار حضور امام علیه السلام به عنوان پرچم‌دار در جنگ‌های اصلی پیامبر صلی الله علیه و آله



۵. نتیجه پژوهش

با توجه به گزارش‌های تاریخی، بیشتر صاحبان لواء پیامبر ﷺ، از کسانی انتخاب می‌شدند که دارای شجاعت و پایگاه اجتماعی در بین مسلمانان بودند. پرچم‌داران اصلی سپاه پیامبر، یعنی کسانی که صاحب لواء‌النبی بودند، عبارت‌اند از: ۱. امام علی (ع) (حداقل ۱۱ و حداکثر ۱۴ جنگ)؛ ۲. حمزه بن عبدالمطلب (۳ جنگ)؛ ۳. مصعب بن عمیر (۲ جنگ)؛ ۴. زید بن حارثه (۱ جنگ)؛ ۵. سعد بن عباده (۱ جنگ)؛ ۶. سعد بن ابی وقاص (۲ جنگ)؛ ۷. خلیفه اول (۱ جنگ).

در این پژوهش، پس از بررسی منابع دست‌اول اثبات شد که امام علی (ع) بنا بر منابع اهل سنت، در ۱۱ جنگ و بنا بر منابع سنی و شیعه، در ۱۴ جنگ به عنوان پرچم‌دار سپاه اسلام حضور داشت. نیز اثبات شد که از ۹ جنگ اصلی پیامبر ﷺ که به درگیری کشیده شد و دارای اهمیت بسیاری برای مسلمانان نسبت به دیگر غزوات بود، در ۶ جنگ امام علی (ع) پرچم‌دار بود. نتیجه آنکه از بین افرادی که به عنوان پرچم‌دار اصلی سپاه اسلام از طرف پیامبر ﷺ انتخاب شدند و از صحابه نزدیک به ایشان بودند و نیز از نظر اجتماعی، بین مسلمانان جایگاه داشتند، موقعیت امام علی (ع) از نظر کمیّت و کیفیت، ممتاز است؛ زیرا از نظر آماری، قابل مقایسه با دیگران نیست و از نظر کیفی هم در مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین جنگ‌های پیامبر ﷺ، پرچم‌دار اصلی سپاه، امام علی (ع) بوده است.

منابع

١. ابن اثير، مبارک بن محمد، *النهاية في غريب الحديث والأثر*، قم: اسماعيليان، ١٣٦٧.
٢. ابن الجوزي، المنتظم في تاريخ الأمم والملوك، تحقيق: محمد و مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٢ق.
٣. ابن حجر عسقلاني، *فتح الباري شرح صحيح البخاري*، بی‌جا: دار الريان للتراث، ١٤٠٧ق.
٤. ابن خياط، *تاريخ خليفة بن خياط*، تحقيق: فواز، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٥ق.
٥. ابن سعد، *الطبقات الكبرى*، تحقيق: محمد عبدالقادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٠ق.
٦. ابن سيد الناس، *عيون الأثر في فنون المغازي والشمائل والسير*، تعليق: ابراهيم محمد رمضان، بيروت: دار القلم، ١٤١٤ق.
٧. ابن سيده، *علي بن اسماعيل، المحكم والمحيط الأعظم*، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٢١ق.
٨. ابن شهر آشوب، محمد بن علي، *مناقب آل أبي طالب*، قم: ١٣٧٩ش.
٩. ابن عساکر، علي بن حسن، *تاريخ مدينة دمشق*، تحقيق: محب الدين العمري، بيروت: دار الفكر، ١٩٩٥م.
١٠. ابن قيم جوزي، *زاد المعاد في هدى خير العباد*، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، بی‌جا: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٦ق.
١١. ابن كثير، *البدایة والنهاية*، بيروت: دار الفكر، ١٤٠٧ق.
١٢. ابن منظور، محمد بن مكرم، *لسان العرب*، بيروت: دار صادر، ١٤١٤ق.
١٣. ابن هشام، *السيرة النبوية*، تحقيق: مصطفى السقا، ابراهيم الأبياري و عبدالحفيظ شلبي، بيروت: دار المعرفة، بی‌تا.
١٤. ابوداود، السنن، بيروت: دار الكتاب العربي، بی‌تا.
١٥. احمد بن حنبل، *مسند*، محقق: شعيب الأرنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٢١ق.
١٦. ازهری، محمد بن احمد، *تهذيب اللغة*، بيروت: دار احیاء التراث العربي، ١٤٢١ق.
١٧. بخاری، محمد بن اسماعيل، *صحيح البخاري*، اعتنى به: ابو صهيبي الكرمي، رياض: بيت الأفكار الدولية، ١٤١٩ق.

۱۸. بلاذری، أحمد بن یحیی، *انساب الأشراف*، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷ق.
۱۹. بیهقی، احمد بن حسین، *دلائل النبوة*، تحقیق: عبدالمعطي قلعجی، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۵ق.
۲۰. ترمذی، محمد بن عیسی، *السنن*، محقق: ابو عبیده مشهور آل سلمان، ریاض: المعارف، بی تا.
۲۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح*، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۳۷۶.
۲۲. حمیری، عبدالله بن جعفر، *قرب الإسناد*، قم: بی تا، ۱۴۱۳ق.
۲۳. دهخدا، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ق.
۲۵. شیبانی، محمد بن حسن، *شرح السیر الکبیر*، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.
۲۶. طبرانی، سلیمان بن احمد، *المعجم الصغیر*، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۳ق.
۲۷. —، *المعجم الکبیر*، تحقیق: حمدی عبدالمجید السلفی، قاهره: مکتبة ابن تیمیة، بی تا.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران: بی تا، ۱۳۹۰ش.
۲۹. —، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، مصحح: فضل الله یزدی طباطبائی، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۳۰. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الأمم والملوک*، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، ۱۳۸۷.
۳۱. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، مصحح: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵.
۳۲. عراقی، عبدالرحیم بن حسین، *طرح التثریب شرح التقریب*، حلب: دار المعارف، بی تا.
۳۳. عیاشی، تفسیر العیاشی، محقق: رسولی محلاتی، تهران: العلمیة، ۱۳۸۰.
۳۴. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر التمی*، قم: دار الکتب، ۱۳۶۳ش.
۳۵. مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار*، بیروت: ۱۴۰۳ق.
۳۶. مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۷. مطرزی، ناصر بن عبدالسید، *المغرب فی ترتیب المغرب*، حلب: مکتبة اسامة بن زید، ۱۹۷۹م.

٣٨. مفيد، محمد بن محمد، الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ١٤١٣ق.

٣٩. مقرئى، احمد بن على، إمتاع الأسماع، تحقيق محمد عبدالحميد النميسى، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٢٠ق.

٤٠. نعمان بن محمد مغربى، شرح الأخبار فى فضائل الأئمة الأطهار عليه السلام، مصحح: محمد حسين جلالى، قم: جامعه مدرسین، ١٤٠٩ق.

٤١. واقدى، محمد بن عمر، المعازى، تحقيق: مارسدن جونز، بيروت: مؤسسة الأعلمی، ١٤٠٩ق.

٤٢. هلالى، سليم بن قيس، كتاب سليم بن قيس الهلالى، قم: ١٤٠٥ق.

٤٣. يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب، تاريخ يعقوبى، بيروت: دار صادر، بى تا.

